



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

(بررسی دانش جغرافیا به عنوان یک علم میان رشته ای)

امید مراد قلی^۱، محمدامین باقر زاده^۲، محمدجواد بهزادپور^۳، سعید بیانی مهر^۴، مصطفی بهشتی پور^۵، میلاد

آهنی^۶

- ۱- عضو اعضای هیئت علمی حوزه علمیه سعدیه رامیان
- ۲- طلبه‌ی دوره کارشناسی حوزه علمیه سعدیه رامیان
- ۳- طلبه‌ی دوره کارشناسی حوزه علمیه سعدیه رامیان
- ۴- طلبه‌ی دوره کارشناسی حوزه علمیه سعدیه رامیان
- ۵- طلبه‌ی دوره کارشناسی حوزه علمیه سعدیه رامیان
- ۶- طلبه‌ی دوره کارشناسی حوزه علمیه سعدیه رامیان
(aminmohammad.bh.۲۰۰۳@gmail.com)

چکیده

درس جغرافیا از قدیم در جهات مختلفی با رشته‌های دیگر علمی بخصوص آمار، ریاضی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و روانشناسی عجین بوده است: یکی از لحاظ عملی و دیگر از جهت تفسیر و تعریف مفاهیم. در نتیجه در مطالعه جغرافیا استفاده از روشهای دانش‌های دیگر نیز ضروری است. تاکنون در این زمینه اقدامات متنوعی صورت گرفته که از جمله آنها تأسیس گرایشهای بین رشته‌ای است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این اقدامات اگرچه گامی رو به پیش بوده، در به کارگیری مفاهیم و روش‌های عملی، دچار سطحی‌نگری است، و در تعریف رشته‌ها و درسها، به چگونگی رابطه شبکه‌ای مفاهیم و دروس، به‌خوبی توجه نشده است. بنابراین، سامان‌دهی این نوع مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها ضروریست و شکافی که در اثر تخصصی شدن بیش از حد علوم و پاره پاره شدن آنها پدید آمده است باید ترمیم شود. دانش جغرافیا هم از نظر ماهیت چندرشته‌ای خود و هم از نظر کاربرد در مدیریت محیط مطرح بوده است. البته بین این واقعیت تا سطح آن در کشورهای مختلف فاصله وجود دارد که بخش اعظم آن را ساختار سیاسی، فرهنگی و آموزشی کشورها توجیه می‌کند. بخشی نیز به اندیشمندان و تلاش آنها برای حفظ ماهیت علم و انتقال آن به عنوان امانتی با ارزش برای نسلهای بعدی بستگی دارد که با سرعت رشد تکنولوژی و ارتباطات انتظار می‌رود جغرافیا نیز بتواند با کاهش فاصله با دیگر رشته‌ها علمی سرآمد در جهان، از عهده آن برآید.

کلمات کلیدی: جغرافیا، میانرشته ای، راهکار، مزایا، کاستی‌ها

۱- مقدمه

علم جدید پس از دکارت و کانت دچار تحولات عظیمی شد (قانعی، ۱۳۹۴:۱۰۲). پس از انقلاب صنعتی، توانایی انسان در تحلیل مسائل و ورود به اجزا آنها مورد توجه قرار گرفت و این امر تخصصی شدن علوم را در پی داشت (گلشنی، ۱۳۹۷:۷۲) و در عین حال، نقد تجزیه گرایی در حوزه پژوهش، زمینه را برای شکل دهی "میان رشته پژوهی" فراهم نمود (صمدی، ۱۳۹۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(۱۱۸). در دوره پسا مدرنیسم ایده‌های پیوند علوم در طرح‌های مختلفی مطرح شده است که رویکرد میان رشته‌ای یکی از آنها است. کار علمی بین رشته‌ای راه ایفای نقش‌های بهتری را برای علوم، همکاری علمی و حل مسایل جهان باز می‌کند. همینطور برای آماده سازی دانشجویان برای آینده شغلی، می توان با گسترش علوم میان رشته‌ای، راه حل مشکلات پیچیده‌ای را که نیاز به تفکر نوآورانه، طراحی و کار تیمی موثر دارند، ایجاد نمود (al et, ۲۰۲۰ Han: ۷۷۰) در این میان، علم جغرافیا که در گذر زمان و به ضرورت تخصصی شدن به دو رشته جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی تقسیم شده است در هر کدام از رشته های خود از علوم مشابه و نزدیک به خود به منظور غنی سازی مبانی نظری و توسعه قلمرو مطالعاتی بهره می برند (حاتمی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۵) استدلال و تبیین در جغرافیا از طریق روابط فضایی بین پراکندگی ها و به صورت استقرا و یا قیاس صورت میگیرد، همکاری متقابل و کسب شناخت اساسی جغرافیایی با استفاده از بینش، اطلاعات و ابزار سایر رشته های علمی در کانون تحقیقات جغرافیایی بوده و در سده های اخیر منجر به تحقیقات گسترده با ماهیت روابط مکمل بین رویکردهای فضایی- زمانی و انسانی- محیطی در جغرافیا شده است و دیدگاه تعامل طبیعت- جامعه و جامعه- فضا مورد توجه قرار گرفته است. با بررسی بسیاری از این تحقیق ها می توان نتیجه گرفت که تحلیل های جغرافیایی متشکل از سه قطب بزرگ و نامحدود با دامنه وسیعی از ارتباطات و روابط متقابل است. این سه قطب عبارتند از: تحلیل فضایی، روابط متقابل انسان و محیط ، و تحلیل مبتنی بر مکان و تحلیل ناحیه‌ای. تحلیل فضایی ابتدا روی مسئله کجایی متمرکز می گردد اما پرسشها به سرعت روی ردیابی چرایی و چگونگی میروود (افراخته، ۱۳۹۵: ۱۲۶). با این وجود انتظار داریم، جغرافیای زمان ما چرایی و چگونگی ها را دنبال نموده و ضمن کشف دلایل موجه راه حل های مناسبی را ارائه دهد. نتایج بررسی های مرکز پژوهش های مجلس نشان می دهد، علوم انسانی به طور کلی در دانشگاههای کشور دچار پسرفت شده است (قاسمی و امامی، ۱۳۹۴: ۲) علم جغرافیا از این امر مستثنی نبوده و پسرفت و ناکارایی های جغرافیای رایج و بی اعتنایی مردم و محققان دلسوز (افراخته، ۱۳۹۵: ۱۳۰) مساله امروز جغرافیا و شاید جهان است. به طوری که هولت- جنسن اشاره می کند متخصصان جغرافیای انسانی در پایه ریزی قوانین حاکم بر فرآیندها پیشرفت اندکی داشته اند. این شاید به دلیل ساده سازی بیش از اندازه علوم باشد که با کنار زدن ادراکات کلی از هستی، جامعه به منزله اجزایی تلقی می شود که با کلیت خود پیوندی ندارد و در این بین تجزیه علوم انسانی به مراتب خسارت بارتر است (پاریاد، ۱۳۹۳: ۷) در ادامه "تخصص" بهانه‌ای می شود تا شناخت به تقلیل گرایي و آزمایشگاهی شدن مبتلا شود (افراخته: نقل از فکوهی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). جغرافیا از دیدگاه جغرافیدانان به عنوان علمی میان رشته ای شناخته می شود که در تعامل علمی مداوم با سایر رشته ها قرار دارد و مسایل کنونی این رشته در امتداد دو طیف تقلیل گرایي و تجزیه گرایي بیش از اندازه این رشته ارزیابی می گردد. چاره رفع این مشکل، برقراری پیوند دوباره آن با علوم نزدیک در حوزه علوم اجتماعی و رفتاری و حتی غیر از آن است. در این زمینه برقراری ارتباط علمی دوجانبه با رشته های علمی و اجرایی (کاربردی) میتواند اندیشه‌ای راهگشا باشد. ترکیب دیدگاهها و زمینه های کاری، روشها، نظریه ها و موضوعات مورد بحث در هر یک از این رشته ها با هم، زمینه طرح مباحث جدید و متنوعی را فراهم میکند که راه حل آن نیز میتواند به همان اندازه متنوع باشد. هرچه تنوع مورد نظر، بخشهای اساسی مقاله ها را تحت تاثیر قرار داده باشد، مسایل بیشتر و تازه تری مطرح می شوند که با راه حل و ایجاد گفتمان درباره آنها، علم جغرافیا می تواند در برخورد با واقعیت هایی که پیچیده شده اند احاطه بیشتری از خود نشان دهد. افزایش کارآیی ظرفیت های تولید دانش در جامعه اغلب به دلیل افزایش تنوع آن است (Poyhonen: ۲۰۱۷، ۴۵۲۰) بر اساس مطالب فوق و جهت دستیابی به هدف پژوهش، تلاش شده که به بررسی ضرورت مطالعه‌ی میان‌رشته‌ای در علم جغرافیا پرداخته شود و به ارائه‌ی مطالب بر اساس مبانی نظری و ادبیات تحقیق تعیین میشوند، بررسی گردد. (ترکاشوند و داور، ۲۰۱۴: ۱۴۰)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲- مبانی نظری و پیشینه

میان‌رشته‌گی: رشته سازمان یافتگی در متن دانش علمی و موجب تقسیم بندی و تخصصی شدن است و به تنوع در زمینه‌های علمی پاسخ می‌گوید. با این که هر رشته در مجموعه علمی بزرگتری قرار دارد به واسطه محدود بودن، زبان تخصصی کنونی و نظریه‌هایی که مختص آن رشته هستند، به طور طبیعی گرایش به مستقل بودن دارد (بحرانی، ۱۳۹۲: ۵۳). به علاوه، بین رشته‌ای بودن، مستلزم یکپارچگی و تغییر شکل حوزه علمی پیشین و ایجاد شکل‌های تازه‌ای از دانش است (اکبری نوری، ۱۳۹۳: ۳). اما آنچه که مشهود است این است که رشد و توسعه میان‌رشته‌ای‌ها در ایران چندان محسوس و قابل اعتنا نمی‌باشد (شهامت، ۱۳۹۴: ۱۷۴). در حالی که توسعه علمی فرایند است که الزاماتی (در قالب چند فرآیند) بر آن مترتب است و دست کم شامل مواردی می‌گردد که اولین آنها "فرهنگ علمگرایی"، دومین فرآیند "ساختارهای مدیریت و برنامه ریزی"، "محیط حقوقی" سومین فرایند است، چهارمین فرایند "توسعه نهادهای نظام علمی" و پنجمین آنها "توسعه زیرساختها، امکانات و تجهیزات و..." است (توفیقی و فراستخواه، ۱۳۸۱: ۳). در این میان چهارمین فرایند یعنی توسعه نهادهای نظام علمی از این جهت که به ویژگیهای نهادهای علمی اشاره دارد، نقش پررنگتری دارند. برخورداری از ساختی انعطاف پذیر، مشارکت پذیر و پیشنهاد پذیر از جمله ویژگیهای مهمی است که در قالب توجه به علوم میان رشته‌ای خود را نشان میدهد (داوری اردکانی، ۱۳۸۴: ۳). امروزه انتظار میرود که دانشگاهها در پی تولید دانش جدید به شیوه‌ای تدریس کنند که به مشکلات جامعه فراتر از چهارچوب یک رشته واحد بپردازند). (Nandan & London, ۲۰۱۳: ۸۱۶) ترکاشوند و داور، (۲۰۱۴: ۱۴۰)

در گسترش میان رشته‌ای، داورپناه سه مساله جدی را بر سر راه تحلیل علوم اجتماعی، از نظر تمایل به میانرشته‌گی می‌بیند: تغییر و تحول دائمی؛ تنوع و گوناگونی ابعاد و حالات پدیده اجتماعی؛ و حضور انبوهه‌های اقدام کننده و نسبتاً مختار (انسانها) او ادامه می‌دهد که استناد به محتوای رشته‌های دیگر در برخی از رشته‌های علوم انسانی از لحاظ میانرشته‌گی یک امتیاز است و جغرافیا یکی از اولینها در این زمینه محسوب می‌شود. جغرافیدانان وابسته به موضوع نیستند، زیرا دامنه وسیعی از موضوعات را بررسی میکنند، آنها مرتب به رویکردها نیز نیستند زیرا دامنه وسیعی از جنبه‌ها و ابزارها را به کار می‌برند و ارزش استفاده از روشهای چندگانه را ارزیابی میکنند تا جنبه‌های مختلف یک مسئله را ارزیابی کنند. جغرافیا به مثابه نظامی عمل میکند که می‌تواند در مطالعه سیستم‌های انسانی و طبیعی نقش سنتز فکری داشته باشد. این ویژگی‌های مشخص کننده جغرافی، آن را با بسیاری از علوم دیگر مرتبط می‌سازد و گامی برای روابط متقابل مولد آنها بر میدارد. تجربه جغرافیدانان در تعامل با سایر قلمروهای موضوعی، کمک میکند که همانند کاتالیزوری برای فعالیت مولد در بین علوم چند وجهی عمل نمایند (افراخت، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۱۹) (در تعاریف ارائه شده از سوی جغرافیدانان بر اهداف علم جغرافیا در موارد زیر تاکید شده است: جغرافیا علمی ترکیبی است که باید به سه پرسش چه چیز، کجا و چرا پاسخ دهد (گنجی)؛ تحلیل‌های جغرافیایی با دو سیستم روبرو است: سیستم اکولوژین به معنی سیستم پیوند انسان با محیط و سیستم فضایی به معنی سیستم پیوند یک مکان از سطح سیاره زمین با مکانها دیگر (شکوئی)؛ جغرافیا به طور مداوم با دو موضوع درگیر است: یکی توزیع پدیده‌ها در فضای زمینی و دیگری ساختار و فرایندهای فضایی که از مهمترین فعالیتهای جغرافیدانان هستند (میرحیدر) و به تنوع بسیار زیاد پدیده‌ها در محیط طبیعی و انسانی توجه دارد (محمودی) که بر سه مفهوم انسان محیط و روابط بین آنها به عنوان مغز و هسته اصلی جغرافیا و موضوع آن تاکید می‌نماید (مومنی)؛ مرکب بودن علم جغرافیا و نیاز آن به سایر علوم برای حل مسائل خود و اینکه جغرافیا با مطالعه سیستم‌های فضایی چشم انداز انسان را در پیشرفت و بهره‌برداری مطلوب از منابع راهنمایی می‌کند (علیجانی) بخش دیگری از شناخت درباره جغرافیا است؛ لزوم پذیرش و تشریح آینده‌نگری این قرن از طرف جغرافیا و حتی پیش بینی آن و اینکه جغرافیا جنبه‌ها مختلفی مانند جغرافیای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که هر یک در تلاش هستند تا نقشه یک سری از عوامل را روشن سازند (حسین زاده دلیر) راهگشای پژوهشها است و تشریح این که علم جغرافیا با تعداد بسیاری از علوم طبیعی و انسانی هم پیوندی و تداخل دارد و به این ترتیب به صورت یک علم میان رشته‌ای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

درآمده است (سلیمانی) یک امر شناخته شده در کارهای جغرافیایی میباشد؛ (محمدی، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۱). مرکب بودن علم جغرافیا در تعاریف پیش گفته یا به روشنی بیان شده و یا در مضمون آنها نهفته است. ماهیت میان رشته ای نقطه قوت علم جغرافیا محسوب میشود، زیرا این علم با تلفیق یافته های سایر رشته ها بینش قوی را درباره مسائل واقعی در مکانهای متفاوت برای محققان ارائه می دهد. میان رشته ای بودن جغرافیا است که به جغرافیدان اجازه میدهد تا به ساختارهای فضایی ایجاد شده توجه و آن را تحلیل کند و این بیش از هر عاملی به جامعیت و کل نگرایی بینش جغرافیا و راه و روش کارآمد و قابل اتکای آن در تحقیق مدیون است (حاتمی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۴). از آنچه که درباره توسعه و پویایی علمی و تعریف بین رشته ای در مباحث متفکرین و محققانی که ذکر آنها گذشت، مفاهیم هفتگانه زیر به عنوان نشانه های قابل مطالعه در میزان پویایی و توسعه علمی، به دست می آیند: رفع محدودیت های ناشی از تخصصی شدن؛ کمک به تعمیق مطالب و ژرف اندیشی محققان؛ متنوع سازی روشهای حل مسایل؛ حل مسایل جدید در زمینه علمی؛ تنوع بخشی به موضوعات علمی؛ تغییر زاویه دید محققان به مسایل؛ گسترش مرزهای علم. (ترکاشوند و داور، ۲۰۱۴: ۲۰)

یکی از پدیده هایی که امروزه جامعه علمی با آن روبه رو است، توسعه مطالعات بین رشته ای است. البته ترویج تفکر آن به جنبش وحدت علمی در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در غرب برمبگردد (کلین، ۲۰۰۰: ۵) که به تدریج از آن به عنوان اصلاح، نوآوری و پیشرفت یاد شد (ونگارت و ستلر، ۲۰۰۰). از سال ۱۹۷۲ به دنبال تحقیقات گسترده بین المللی، ترویج آن در آموزش و ساختارهای سازمانی دانشگاهها شروع گردید، ولی دچار فراز و نشیبهایی شد که اکنون استقبال کمتری را نسبت به دهه ۱۹۷۰ پیدا کرده است (پیترسون، ۱۹۹۰: ۲۲۳) بیشتر به این دلیل بود که اندیشمندان علم علیرغم آگاهی از مزایای این نوع مطالعات، به موانع (خرسندی طاسکوه، ۲۰۰۹) و شیوه برخورد عاقلانه با آنها فکر می کردند. از همه مهمتر از بین رفتن ماهیت رشته ها و تداخل بین علوم بود که آنها را وادار می کرد تا در پیاده کردن این تفکر احتیاط های لازم را از خود نشان دهند. امروزه در غرب برحسب نیازهای جامعه به مطالعات میان رشته ای می پردازند و زمانی به ایجاد تخصص های جدید رضایت میدهند که اولاً پیش شرطهای مورد نیاز این همکاری برای انجام موفق پروژه های کاربردی (نانکارو و همکاران، ۲۰۱۳: ۶) و اهداف آموزشی (کمیتته ملی تحقیق در مورد آموزش عالی، ۱۹۹۷) رعایت شده باشد و ثانیاً براساس این اهداف مشخص شود که چه نوع ادغام و ترکیبی از میان انواع ادغامها انتخاب شود که مهارتهای لازم را به دانشجویان برای جذب آنها در بازار کار و مشارکت در حل مشکلات جدید آموزش دهد. (جباری، ۲۰۱۴: ۱۱)

۳- بحث و بررسی

در مجموع، فضای کلی جامعه علمی و دانشگاهی ایران روز به روز به توسعه مطالعات بین رشته ای گرایش بیشتری پیدا کرده است؛ و این امر گذشته از آنکه برای پر کردن شکاف بین علوم که بر اثر تخصص گرایی افراطی پدید آمده است، ضروری است، بیشتر متأثر از عوامل مختلف علمی و اجتماعی دیگری است که برنامه ریزی در این زمینه را در اولویت قرار میدهد. اگرچه رویکرد اولیه جامعه ایران به مطالعات بین رشته ای بیشتر تحت تأثیر روشهای رایج غربی بوده، یا روزگاری براساس برنامه های رسمی و دولتی و اسناد بالادستی، به عنوان یک وظیفه اداری پیگیری شده است، امروز یک ضرورت اجتناب ناپذیر اجتماعی و علمی تلقی می شود؛ زیرا عملاً دانشگاهها به تأسیس اینگونه رشته ها اقدام کرده اند، دانشجویان و محققان به آن روی آورده اند، اهل علم و مطالعه نتایج کاربردی آن را کشف کرده و از ارائه نکات تازه لذت برده اند، و توسعه ارتباطات علمی و اجتماعی - بخصوص دسترسی به منابع و اطلاعات گوناگون در شبکه اینترنت و گسترش فناوریهای جدید علمی و ارتباطی و نرم افزاری روند این نوع تحقیقات را تسهیل کرده است؛ همچنانکه چندوجهی دیدن انسان و آمیختگی روزافزون علوم و بخصوص هنرها روی آوردن به مطالعات بین رشته ای را اجتناب ناپذیر نموده است. امروز اقبال عمومی دانشجویان و محققان به اجرای طرحهای تحقیقاتی و نوشتن پایان نامه ها و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقاله‌های بین رشته‌ای، سیاستگذاران علمی، اعم از دولتی و غیردولتی، را ناگزیر به برنامه ریزی برای سازماندهی این نوع مطالعات نموده است، بخصوص که رشته‌های بین رشته‌ای دانشگاهی که تاکنون در حوزه جغرافیا تأسیس شده در مرحله اجرا با موفقیت‌ها و کاستی‌هایی همراه بوده است. (غلام‌حسین زاده، ۱۳۹۱: ۸۱).

در گذشته در ایران جغرافیا دانان با حجم زیادی از پروژه‌های کلان تحقیقاتی مواجهه بوده‌اند. انجام این تحقیقات ضروری مانند تهیه نقشه‌های کاداستر، کاربری زمین، ژئومورفولوژی و نقشه‌های کاربردی دیگر که حتی برای کشورهای آفریقایی تهیه شده. از گذشته جمع شده و هنوز به سامان نرسیده است. برای مثال کاداستر از سال ۱۳۳۴ تصویب شده است و حتی در سازمان ثبت اسناد برای کارشناسان جغرافیا برای این منظور موقعیت سازمانی در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۶۸ مجدداً در مجلس برای نحوه انجام آن قوانینی تصویب شد ولی متأسفانه نبود تعریف از متخصصان متولی تهیه این نقشه‌ها، دست را برای هر گونه دخالت غیرکارشناسانه باز گذاشت. طرح آمایش سرزمین نیز یکی دیگر از وظایف اصلی جغرافیادانان است که اتفاقاً کاربرد ماهیت بین رشته‌ای بودن جغرافیا را به رخ میکشد، ولی به راحتی توسط متخصصان رشته‌های دیگر در استانها انجام شده یا در شرف انجام می‌باشد. کاستی‌هایی که در مطالعات و اقدامات بین رشته‌ای، بیشتر ناشی از آن است که جریان بین رشته‌ای "تمهیدات فرهنگی - اجتماعی خودجوش" و "رقابت و فرایند نهادی" (Process & Competition Institutional) را از سر نگذرانده است و عمدتاً برپایه تمهیدات دانشگاهی و دولتی برپایه نظام پایگانی (Hierarchical) شکل گرفته است. این امر موجب شده است تا مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای در ایران به شکل اندامورا، سازماند، پویا و درگیر با جایگاه عینی و انضمامی چالش برانگیز در فضا و سپهر عمومی دانش به ثمر نرسد؛ درحالیکه یکی از ویژگیهای اصلی این نوع مطالعات برخلاف نظام سلسله مراتبی و ارتباط عمومی بر ارتباط شبکه‌ای و هم ارز دانش‌ها و رشته‌ها نهاده شده است؛ یعنی در شکل فعلی نوعی تعارض پنهان میان نظام سازمانی الگوساز (با ساختار سلسله مراتبی) و اقتضائات دانش و پژوهش میان رشته‌ای (الگوی شبکه‌ای) وجود دارد که به شکل پنهان و پیدا در برنامه «راهبردی»، نظام ارزشیابی و سازوکارهای اجرایی و کاربردی تأثیر می‌گذارد. این تأثیرات هم در حوزه مفاهیم و تعاریف پایه این حوزه نمایان است و هم در اصل و فرع همایش‌ها و هم در سنخ و ماهیت مقالات و جهت‌گیری کلی ترجمه کتب دیده می‌شود (نیکیوی، ۱۳۹۱: ۹۲). در مجموع، مقالات و تحقیقات بین رشته‌ای جغرافیا بسیار فراوان می‌باشند و تا کنون در این زمینه تا حدی موفق بوده است. (غلام‌حسین زاده، ۱۳۹۱: ۸۱)

در هر حال نحوه برخورد معکوس جامعه جغرافیا با این حجم نیازهای جامعه، با تغییر عناوین واحدهای درسی دانشگاهی به بهانه هماهنگی با موضوعات جدید جهانی جالب توجه می‌باشد که به کاهش و حذف تدریجی دروسی مانند نقشه برداری و کارتوگرافی از برنامه درسی منجر شد و این راه را نیز که میتوانست برای دانشجویان امیدوار کننده باشد، برای فارغ التحصیلان بسته و انعکاس آن در جامعه به صورت کیفیت پایین خدمات جغرافیایی مانند انتشار نقشه‌های عمومی جغرافیا با ده‌ها اشتباه کارتوگرافیک ظهور کرد. ظهور موضوعات جدید جغرافیایی و شیوه عملکرد جامعه جغرافیایی ایران با پیچیدگی روابط انسانی و اعمال سیاستها در سطوح مختلف جهانی تا محلی و ایجاد حجم عظیمی از مشکلات در فضای جغرافیایی و الگوهای اشغال آن، موضوعات جدید جغرافیایی شکل می‌گیرند که جغرافیادانان جهان را به دنبال این موضوع هدایت میکنند که چگونه جنبه‌های مختلف علوم طبیعی، انسانی و فنی را به هم پیوند دهند تا بتوانند الگوها و فرایندهای مکانی را که بر مسائل جهانی، منطقه‌ای و محلی و در نتیجه نسل‌های کنونی و آینده تأثیر می‌گذارند، توجیه کنند. موضوعاتی مانند گرمایش جهانی، سیاست‌های بین‌المللی، مخاطرات محیطی، شیوه‌های بهره‌برداری از منابع آب و خاک و زمین و صدها موضوع دیگر که منجر به تغییر دینامیک فرایندها می‌شود، بحث روز جغرافیای جهان است. در حالی که در ایران اندیشمندان جغرافیا برای ورود این موضوعات به برنامه‌های آموزشی و پژوهشی از جهان پیشرفته فاصله دارند و تا این مسیر را طی کنند، زمان زیادی را از دست خواهند داد. این پدیده در گذشته نیز اتفاق افتاده و نتیجه این شده است که نه دانشجویان در بازار کار توانسته‌اند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کارایی خود را نشان دهند و نه پژوهشگران قادر شده‌اند به طور مؤثری در حل مشکلات جامعه سهیم باشند. این نشان می‌دهد که در کشور، مرجعی مطمئن و فعال که بتواند وظیفه تمرکز و وحدت اندیشه‌ها و معرفی علم را برعهده داشته باشد وجود ندارد. این روال معمولاً توسط سه عنصر صورت می‌گیرد: حمایت جدی صاحب منصبان یا سیاستمداران، فعالیت‌های انجمن‌های علمی و عملکرد جدی نشریات علمی. (جباری، ۱۴۰۰: ۴)

رویکرد مطالعات بین‌رشته‌ای متخصصین در ایران در بسیاری از موارد ریشه‌های علل عدم موفقیت پروژه‌های عمرانی را به درستی به کیفیت پایین تحقیقات امکانسنجی پیشین آنها نسبت می‌دهند. شاید با مقایسه قراردادهای طرح‌های تحقیقاتی همکاران دانشگاهی یا مراکز پژوهشی با سازمان‌های مختلف بتوان یکی از دلایل اصلی آن را به عدم مغایرت عناوین تحقیقاتی با تخصص‌های مربوطه نسبت داد. این شیوه عمل با ورود تفکر بین‌رشته‌ای چهره‌موجهی به خود می‌گیرد و بهترین بهانه را برای نادیده گرفتن مرزهای دانش و استفاده از هر فرصتی برای دخالت غیرحرفه‌ای در انجام پروژه‌ها یا تحقیقات کاربردی و استفاده از فرصت‌های شغلی نامأنوس با رشته تخصصی فراهم می‌کند. در این جریان، فاجعه واقعی برای هر رشته زمانی رخ می‌دهد که اندیشمندان آن عملاً نتوانند در پروژه‌های مربوطه و حل مشکلات جامعه توانایی خود را ثابت کنند. شواهد نشان می‌دهد که چنین سرنوشتی برای جغرافیا به دلیل تأخیر زمانی بین ظهور مشکل تا تصمیم برای حل آن و سردرگمی در درک موضوعات گذشته و معاصر رخ می‌دهد. نتایج توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای ما را برآن میدارد که برای سامان دادن به این نوع مطالعات، برنامه ریزی و اقدام کنیم. نخستین نیاز، ضرورت ترمیم شکافی است که در اثر تخصصی شدن بیش از حد علوم و پاره پاره شدن آنها پدید آمده است و سبب گردیده دانش‌آموختگان یکسونگر با ادعاهای کلان وارد حوزه تحقیقات جغرافیایی شوند و مطالبی را به عنوان دستاوردهای علمی به جامعه عرضه کنند که به دلیل نقص و نارسایی و حتی گاه بی‌پایه بودن، نه تنها مفید نیستند که گاهی مضرند و تبعات جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورند. البته روشن است که هیچگاه جامعه منتظر نمی‌ماند و نمانده است که سیاستگذاران با تأمل و تأنی بنشینند و برای حل مشکلات و رفع نیازها برنامه ریزی کنند، بلکه جامعه علمی جغرافیا هرگاه احساس نیاز کند، یا با انباشت تقاضا روبه‌رو شود، سنجیده و سنجدیده، درست یا نادرست، خود به صورت خودجوش دست به اقدام، تحقیق، تألیف، انتشار و تأسیس کلاسهای آموزشی جدید می‌زند، چنانکه زده است، و چون طبیعتاً در این نشریات و کلاسها سخنان تازه‌ای هم عرضه می‌شود، به سرعت مورد توجه قرار می‌گیرد؛ چنانکه برگزارکنندگان این نوع کلاسها اکنون مخاطبان و مشتاقان بسیاری یافته‌اند، تا جایی که به تدریج امر بر آنها مشتبه شده و گمان کرده‌اند آنچه عرضه می‌کنند تماماً علمی و درست است، بنابراین کار از مسیر صحیح خود خارج شده است. از سوی دیگر، گرچه این بار برنامه ریزان رسمی و دولتی زود دست به کار شده‌اند، آنچنان با شتابزدگی و بدون ایجاد هماهنگی‌های لازم با نهادهای تخصصی و مسئول به تولید پرداخته‌اند که گاهی به ناچار قبل از آنکه ببینند، خام و نیمپخته محصول کارشان را عرضه کرده‌اند. بنابراین اکنون وقت آن رسیده است که به صورت مرحله به مرحله به اصلاح و در صورت نیاز، توسعه این اقدامات پرداخته شود تا برنامه‌ها و کارها در جایگاه اصلی خودشان قرار بگیرند. البته اسناد بالادستی کشور نیز، مانند قانون چهارم توسعه کشور و بند ۱۵ - ماده ۱۵ فصل دوم قانون برنامه پنجم کشور، و صفحات ۱۲، ۳۰، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ سند نقشه جامع علمی کشور و همچنین سند چشم‌انداز توسعه کشور، بر توسعه و گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای تأکید کرده‌اند یا در رهنمودهای خود به اولویت‌هایی اشاره کرده‌اند که از لوازم تحقق آنها، گسترش دوره‌های آموزشی و مطالعات بین‌رشته‌ای است. بدیهی است که نخستین گام در این مسیر، در اولویت قرار دادن آموزشهای بین‌رشته‌ای، و تدوین برنامه‌ها و سرفصلهای مورد نیاز در این زمینه است. از اینرو کمیته برنامه ریزی جغرافیا از سال‌های گذشته دستور به اقدام به ایجاد گرایش‌های بین‌رشته‌ای کرده است. (غلامحسین زاده، ۱۳۹۱: ۸۱)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بنابراین در دنیای امروز، تحقیقات و پژوهش های علمی نمی تواند مبتنی بر نیازهای تمدن موج اول (کشاورزی) و موج دوم (صنعت) تداوم داشته و در جهت رفع نیازها و حل معضلات جوامع انسانی ایفای نقش نماید. جهش و پرش افرادی را که به رغم رشته و تخصص تحصیلی و با تکیه بر جایگاه سیاسی خود به توفیقاتی دست یافته‌اند، نباید به رشته تخصصی آنها نسبت داد که در این صورت باید نامداران آن رشته به چنان جایگاهی ارتقا می یافتند. توسل به نظام قدرت، جهت ارتقای جایگاه یک علم و فارغ التحصیلان آن، اگر چه ممکن است در کوتاه مدت با جغرافیدان، برنامه ریز، مهندس شهرساز، آمایشگر نمود هایی همراه باشد و آنها خود را به جای مثال و مهندس سنجش از دور خطاب کنند، در نهایت آب در هاون کوبیدن است. نازایی جغرافیای رایج ایران و بی اعتنایی مردم و محققان دلسوز را باید در همین مسئله و حضور صاحب منصبانی جستجو کرد که جایگاه و کرسی ها را اشغال، با صاحبان قدرت همدستان و در عین حال هیچ مسئولیت و دغدغه‌ای در حقوق و منافع ملی و مردم ندارند. ترقی و تعالی یک رشته علمی تنها و تنها در گروه شناخت قانونمندی های علمی و نیازهای زمانی است. ادعای جانب دارانه مالکیت دانش به تبعیت از به مالکیت درآوردن همه منابع خدادای طبیعی و اجتماعی، بی توجهی به توان عظیم بشر برای کشف حقایق جهان هستی و محکوم به خاموشی است. دانش جغرافیا به عنوان یکی از دانش های کهن بشری راه تکامل خود را پیموده و می پیماید. استفاده از دستاوردهای سایر علوم و همکاری با آنها در جهت حل معضلات پیچیده جهان کنونی نه تنها از اعتبار جغرافیا نمی کاهد، بلکه در حد آنچه که هست و نقشی که میتواند بازی کند که البته با اهمیت هم هست، جایگاه جغرافیا را حفظ میکند. در اینصورت جغرافیا میتواند ضمن بهره مندی از دستاوردهای علوم دیگر از جمله آمار، ریاضی، اقتصاد، جامعه شناسی، تاریخ و روانشناسی، خدمات متقابلی نیز به آنها ارائه دهد و خود به شکوفایی برسد. (افراخته، ۱۳۹۵:۱۱۹)

جغرافیای ایران در گذشته نتوانسته است به اندازه ای که شایسته آن است در پژوهش های علمی و کاربردی مشارکت داشته باشد. در سالهای اخیر نیز علیرغم اینکه گسترش رویکرد مطالعات بین رشته‌ای نتوانسته است جغرافیا را در سطح بین المللی به حاشیه براند، در ایران خیلی از موضوعات جدید جغرافیایی نیز به وسیله غیرمتخصصین تصاحب می شود و متخصصین جغرافیا به سه دلیل در این فرایند نمی توانند بر مشکلات فائق آیند: حمایت ضعیف سیاستمداران جغرافی خوان، ایفای نقش ضعیف انجمن های علمی و مخصوصاً انجمن جغرافیایی ایران و بالاخره عملکرد ضعیف نشریات جغرافیایی. صرفنظر از اینکه این عوامل در داخل یک سامانه جغرافیایی تکامل می یابد و برای حل مشکلات علم نیاز به ترمیم عمیق در این ساختار احساس می شود ولی تعهد کاری مخصوصاً جغرافیدانان در سه عنصر یاد شده مقدمات تغییر می باشد. از اینرو، اساسی ترین اقدام برای نجات جغرافیای ایران، ایجاد مرز بین فعالیت های علمی و اجرایی است که هر یک با تقسیم کار انرژی را در حوزه خاص معطوف کنند و سپس با مشارکت و همفکری همدیگر مشکلات جامعه را به راحتی حل نمایند. با استناد به اصول علمی میتوان گفت که در متن این فرایند نیز بخش مهمی از مسائل علمی جغرافیا و تحصیل کردگان آن به تدریج حل خواهد شد، زیرا انجمن های علمی فعال میشوند، همکاری جدی جغرافیدانان با انجمن ها به وقوع می پیوندد و کمکهای اداری سیاستمداران تحصیلکرده جغرافیا هماهنگ با درخواست انجمن ها صورت میگیرد. در چنین فضایی است که امکان انجام تحقیقات فراهم شده و نشریات علمی نیز خود را موظف به هدایت و سخت گیری در چاپ تحقیقات اصیل خواهند نمود. (جباری، ۱۴۰۰:۴) تخصصی شدن علوم پس از دوره طولانی همراهی علمی از پیامدهای این حرکت بوده است به طوری که چالشهای ایجاد شده یکی پس از دیگری جای خود را به تکاپوهای عقلانی و انتقادی داده و رشته های تخصصی پا به عرصه وجود گذاشتند (صمدی، ۱۳۹۱:۱۱۸). اما جوامع در هر دوره مسایل جدیدی را تجربه می کنند و لازمه عبور موفق از آن دوره به سوی آینده ای بهتر، یافتن راه حل های مناسب برای مشکلات و مسائل پیش آمده است. بدیهی است در این زمینه علوم نتوانسته اند مشارکت و نقش موفقیت آمیز بالایی در کمک به جوامع داشته باشند. این در حالی است که عملکرد علوم در هر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دوره‌ای با توجه به نوع مسائل جامعه، متفاوت بوده است و گاهی علوم خود نیز دچار تغییرات شگرفی شده اند تا بتوانند میزان پاسخگویی خود را تا حد ممکن افزایش دهند.

در اینکه تعریف برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی جدید بین رشته‌ای در جغرافیا از راهکارهای بنیادی برای توسعه و اصلاح و ساماندهی این نوع مطالعات است تردیدی نیست؛ اما اینکه این برنامه‌ها باید مربوط به کدام مقطع تحصیلی باشد، چه موضوعاتی را دربر بگیرد و در بین نیازهای متعدد، به کدامها اولویت بدهد، و سپس آنها را با چه ساختار و قالبی از قبیل رشته یا گرایش یا درس تعریف کند، محل بحث و تأمل است. با توجه به اینکه مهمترین مشکل علمی که رشته‌ها و مطالعات بین رشته‌ای برای حل یا ساماندهی آن پدید آمده‌اند، ترمیم شکاف ایجادشده در بین رشته‌ها در اثر تخصص‌گرایی از یکسو، و استفاده از یافته‌ها و روش‌های رشته‌های همجوار و استفاده از روشهای آنها، از سوی دیگر است، باید به اقتضائات آن توجه شود. لازمه استفاده از یافته‌ها و روش‌های علوم دیگر در تحلیل متون و مباحث جغرافیایی، آموزش دادن یافته‌ها و شیوه‌های آن علوم است، و اقتضای پرکردن شکاف بین علوم، تسلط به مباحث پایه‌ای رشته میزبان و دور نیفتادن از آن است. بنابراین، اصل بر آن است که ابتدا فرد در موضوع پایه، یعنی جغرافیا، متخصص باشد تا بعد بتواند از اطلاعات و روش‌های علوم دیگر در تحلیل آن استفاده کند. با این وصف تأسیس رشته‌ها یا گرایشهای بین رشته‌ای در دوره کارشناسی که ضرورتاً باید به آموزش مباحث پایه‌ای پردازند مفید نیست؛ اما در دوره کارشناسی ارشد و دکتری می‌توان مباحث بین رشته‌ای را گسترش داد و هدف ما نیز ارائه پیشنهادها و برنامه‌های کاربردی است، و از الزامات ارائه برنامه‌های قابل اجرا و فراهم کردن زمینه تحقق آن، اتخاذ رویکرد هماهنگ با سیاست‌های جاری است، باید در مرحله اول برنامه‌ها و سرفصلهای دوره کارشناسی ارشد را هدف توسعه و تدوین برنامه‌های جدید قرار دهیم و برنامه‌های دوره کارشناسی به دروس پایه اختصاص یابد، ولی در عوض در دوره کارشناسی ارشد، تعداد برنامه‌ها به لحاظ کمیت توسعه یابد و مجدداً در دوره دکتری دامنه آن محدود شود. حال سخن بر سر این است که آیا در دوره کارشناسی ارشد، باید به تأسیس رشته‌های جدید بین رشته‌ای پرداخت، یا اولویت با تأسیس گرایشهای بین رشته‌ای است؟ بدیهی است که توسعه مطالعات بین رشته‌ای که ترمیم شکاف حاصل از تخصص‌گرایی بین علوم و استفاده از دانشها و روش‌های علوم همجوار برای تحلیل مباحث پایه رشته جغرافیا است، باید تأسیس گرایش‌ها را در اولویت قرار داد نه رشته‌ها را، و این با روند توسعه تدریجی، کیفی و طبیعی این نوع مطالعات و حتی قوانین فعلی وزارت علوم که هر کسی با هر رشته کارشناسی میتواند در آزمون دوره‌های کارشناسی ارشد شرکت کند سازگارتر است؛ زیرا حفظ پایه رشته اصلی، و سپس تأسیس گرایش در کنار آن، سبب می‌شود اولاً دانشجوی از پایه علمی لازم برخوردار باشد و در ثانی ابتدا گرایش‌های جدید تأسیس شوند و راه بیفتند و سبب شوند مطالعات و تحقیقات در آن زمینه به حد رشد و کمال طبیعی خود برسد، آنگاه پس از قوام و دوام یافتن اصل گرایش، و فراتر رفتن نیازها از حد ظرفیت موجود، بتوان برای نیازهای جدید، ظرفیتهای جدیدتری را ایجاد کرد و مثلاً بعضی از گرایشها را در صورت ضرورت به رشته تبدیل نمود. اما در صورت وجود نیاز به تعریف تک درس‌های بین رشته‌ای، می‌توان با افزودن آنها به برنامه و بخصوص به فهرست درس‌های اختیاری، در همه دوره‌ها و از جمله در دوره کارشناسی و حتی در گرایشهای فرا رشته‌ای و چند رشته‌ای کارشناسی ارشد و دکتری، این نیاز را برطرف کرد (غلام‌حسین زاده، ۱۳۹۱: ۸۱). محققان رشته جغرافیا تلاش نموده‌اند تا علاوه بر توجه به ابعادی که قبلاً ذکر شد و بهره‌مندی از نتایج و دستاوردهای حوزه تخصصی به نتایج مشخصی در زمینه علمی مختلف دست پیدا کنند. (ترکاشوند و دادورخانی، ۱۴۰۱: ۶)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به نیازهای، بازنگری در برنامه‌ها و سرفصلهای دروس رشته جغرافیا، و بخصوص تأسیس گرایشهای بین رشته‌ای در دوره کارشناسی ارشد، از اموری است که لازم است برنامه‌ها و سرفصلهای آنها تدوین شود و در اختیار کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا وزارت علوم قرار گیرد؛ و در این بین اصلاح و بازنگری رشته‌های موجود بین رشته‌ای در دوره کارشناسی مانند جغرافیا طبیعی، جغرافیا شهری، جغرافیا روستایی، کارتوگرافی و سنجش از دور در صدر این اولویتهای قرار دارد، و تأسیس گرایشهای بین رشته‌ای پرمخاطب دیگر در دوره کارشناسی ارشد کاملاً محسوس است، نیز باید به طور هم‌زمان در برنامه اقدام قرار گیرند. تا با استفاده از اطلاعات رشته‌های دیگر بتوان به انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در زمینه علم جغرافیا دست یافت. پژوهش‌های بیشتری درباره تغییر زاویه دید و جسارت علمی جغرافیدانان مورد نیاز است تا تنوع علمی و گسترش مرزهای علم را مورد هدف خود قرار دهند. شاید بزرگترین مزیت، فرصتی برای مشاهده مسائل از منظرهای مختلف و اغلب بسیار متفاوت باشد. این بدان معناست که باید مسائل و علل آنها را درک کرد، دیدگاه خود را با سایر رشته‌ها تعدیل کرد و پاسخی ایجاد کرد که راه‌حل رضایت بخشی برای حال و آینده ایجاد کند.

مراجع

- ۱- افراخته، حسن، تحول جغرافیا به عنوان علمی میان رشته‌ای، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۸(۲) (پیاپی ۳۰)، صص ۱۱۹-۱۳۲، ۱۳۹۵
- ۲- اکبری نوری، رضا، تفکر انتقادی به مثابه روشی عام برای پژوهشهای میانرشته‌ای علوم انسانی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۲۱-۱، ۱۳۹۳
- ۳- بحرانی، مرتضی، رشته، میانرشته و تقسیم بندی علوم، فصلنامه مطالعات میانرشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۷۸-۵۹، ۱۳۹۲
- ۴- پاریاد، رحمان و معروفی، یحیی، یگانگی معرفت و علوم انسانی؛ رویکردی بین رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میانرشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۸-۱، ۱۳۹۳
- ۵- ترکاشوند، زهرا، دادور، فضیله، تحلیل تأثیر مطالعات میانرشته‌ای بر پویایی علمی جغرافیا (با تمرکز بر مطالعات میانرشته‌ای کارآفرینی- جغرافیا). جغرافیا (فصلنامه علمی انجمن جغرافیایی ایران)، ۲۰(۷۵)، صص ۱-۲۰، ۱۴۰۱
- ۶- توفیقی، جعفر و فراستخواه، مقصود، لوازم ساختاری توسعه علمی در ایران، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۳۶-۱، ۱۳۸۱
- ۷- جباری، ایرج، گسترش علم، تفکر بین رشته‌ای و خطر آسیب‌های بنیادی به جغرافیای ایران. جغرافیا و پایداری محیط، ۱۱(۳)، ۸-۱، ۱۴۰۰
- ۸- حاتمی نژاد، حسین، جغرافیای رادیکال رویکرد میانرشته‌ای در علوم انسانی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۳۱-۱۵، ۱۳۹۱
- ۹- خورشیدی طاسکوه، علی، میانرشته‌گی و مسائل آن در آموزش عالی، فصلنامه مطالعات میانرشته‌ای در علوم انسانی، ۱(۲)، صص ۸۵-۱۰۱، ۱۳۸۸
- ۱۰- قاسمی، علی اصغر و امامی میبدی، راضیه، نقش و جایگاه مطالعات میانرشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور، فصلنامه مطالعات میانرشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۹-۱، ۱۳۹۴
- ۱۱- قانع، رشید و حسینی، سیدحسن، نقد و بررسی چالشهای علم مدرن از دیدگاه دکتر سید حسین نصر، فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۱۲-۱۰۱، ۱۳۹۴.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۱۲- گلشنی، مهدی، سیر تحول از علوم رشته‌های تا علوم میان رشته ای و علوم یکپارچه فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۶۹-۸۶، ۱۳۹۶
- ۱۳- صمدی، مریم، میانرشته پژوهی پارادایم و دستاوردهای تربیتی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۳۰-۱۱۷، ۱۳۹۱
- ۱۴- غلامحسین زاده، غلامحسین، ضرورت تأسیس گرایشهای بین رشته ای در رشته زبان و ادبیات فارسی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۶(۲۶)، صص ۸۱-۹۸، ۱۳۹۱
- ۱۵- نیکویی، علیرضا، طرح ممیزی ادبیات فارسی با تکیه برمطالعات بین رشته‌ای. طرح تحقیقی چاپ نشده، انجمن زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۱
- ۱۶- Afrakhteh, H. (۲۰۱۶). Transformation of Geography as an Interdisciplinary Science, *Interdisciplinary Studies in Humanities*, Vol. ۸, No.۲, pp. ۱۱۹-۱۳۲. [persian].
- ۱۷- Davari Ardakani, R. (۲۰۰۷). Scientific Development or Increased Number of Papers? *Journal: Name-ye Farhangestan*. ۳۵: ۲-۸ [persian].
- ۱۸- Han, S. J., Abadi, M., Jin, B. & Chen, J. (۲۰۲۰). Cultivating interdisciplinary team creativity through an intensive design competition. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, ahead-of-print, doi:۱۰.۱۱۰۸/heswbl-۰۶-۲۰۲۰-۰۱۴۱.
- ۱۹- Holt- Jensen, A. (۱۹۸۸). *Geography: History and Concepts*. ISBN: ۱- ۸۵۳۹۶- ۰۱۱-x. (Tabrizi, J. Trans.). Tehran. Seyr va Siahat Publication. [persian].
- ۲۰- Mohammadi, H. (۲۰۱۳). *What is geography?* Tehran: University of Tehran Press [persian].
- ۲۱- Nandan. M. & London, M. (۲۰۱۳). Interdisciplinary professional education: Training college students for collaborative social change, *Education + Training*, Vol. ۵۵, No. ۸/۹, pp. ۸۱۵-۸۳۵, <https://doi.org/10.1108/ET-06-2013-0078>.
- ۲۲- Khorsandi Taskoh, A. (۲۰۰۹). Interdisciplinarity and its Challenges in Higher Education, *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, ۱ (۲), ۸۵-۱۰۱ (In Persian).
- ۲۳- Klein, J. T. (۲۰۰۰). A Conceptual Vocabulary of Interdisciplinary Science. | In *Practicing Interdisciplinarity*. Edited by P. Weingart and N. Stehr.
- ۲۴- Nancarrow, S. A., Booth, A., Ariss, S., Smith, T., Enderby, P., & Roots, A. (۲۰۱۳). Ten principles of good interdisciplinary team work. *Human resources for Health*, ۱۱(۱), ۱-۱۱
- ۲۵- Pöyhönen, S. (۲۰۱۷). Value of cognitive diversity in science, *Synthese*, Vol. ۱۹۴, No. ۱۱, PP. ۴۵۱-۴۵۴.
- ۲۶- Peterson, R. W. (۱۹۹۰). Why not a separate college of integrated studies. *Rethinking the curriculum: Toward an integrated, interdisciplinary college education*, ۲۱۵-۲۲۶.
- ۲۷- Shahamat, N. (۲۰۱۵). Introduction to Creation of Interdisciplinary Structures in Higher Education, *New Approach in Educational Administration*, Vol. ۶, No. ۳, pp. ۱۶۵-۱۸۱. [persian]
- ۲۸- Weingart, P. & Stehr, N. (eds) (۲۰۰۰). *Practising Interdisciplinarity*. London: University of Toronto Press.